



امیر جعفری را اذیت نکنید!

معتمد هم به امیر جعفری نیاید زیاد خرده گرفت که چرا از بی عدالتی، آفازادگی و اشرافی گری دفاع می کند. امثال او که از فضا نیامده‌اند، از دل گوشه‌های از فرهنگ همین جامعه تبدیل به بازیگر و سلبریتی شده‌اند. همین جامعه و سبک زندگی لایه‌ها و طبقاتش او را رشد داده است. امیر جعفری آدم کمی نیست. او جلوتر از حمید فرخ‌نژاد ر کودر حضور در یک قاب کنار بیشترین مفسد اقتصادی را آن خود کرده است. این رکوردزنی برای امثال او احتمالاً به اندازه یک سیمرغ بلورین و شاید هم بیشتر می‌آزد. شاید در آینده هیچ سلبریتی دیگری توان این را نداشته باشد تا با حسین هدایتی و بابک زنجانی در یک قاب بایستد و شکلک در بیاورد و انگشتانش را به نشانه پیروزی بالا ببرد. وقتی حرف او را مثلا با حمید فرخ‌نژاد مقایسه کنیم که گفت «می‌خواهم ۸۰ میلیون ایرانی نباشند، اگر بخواد خم به ابروی هیچ‌ام بیاید.» می‌بینیم امیر جعفری چیز خاصی نگفته است. فرخ‌نژاد دست کم حرفش را رک و پوست کنده و بدون شائبه مطرح کرده، اما امیر جعفری کلی حیا به خرج داده و حرفش را طوری بیان کرده که زیاد به ما بر نخورد، ولی واقعا شورش را در آورده‌اند. فکر کنید امیر جعفری وقتی کنار بابک زنجانی و حسین هدایتی با افتخار عکس می‌انداخته و سلفی می‌گرفته، دقیقا چه احساسی داشته، خب همان احساس یا مانند آن را موقع حرف زدن درباره فرزندان پورتنه سوار برخی مسئولان داشته، تازه مگر فقط آفازاده ها هستند. هومن سیدی هم از بابک زنجانی پول گرفته، فیلم ساخته و پس هم نداده است. تازه یک سال بعد از آن پولی که از زنجانی گرفته، سیمرغ بلورینش را به رئیس جمهور مملکت هدیه می کند، حالا در دست است که رئیس جمهور به او می‌گوید هدیه‌ات را پیش خودت نگه دار، اما مهم نفس عمل است. اینها درست است که مانند فرزندان مسئول آفازاده‌ای که امیر جعفری می‌گوید پدرانشان شب‌زنده‌داری کرده‌اند، ممکن است سختی نکشیده باشند، اما همین که توانسته‌اند خود را در حد هم‌المالی بابک زنجانی و حسین هدایتی بالا بکشند و با آنها عکس بگیرند، خودش مگر کم چیزی است؟

نباید درباره سلبریتی‌ها همین‌جوری اظهار نظر کنیم. درست است که هومن سیدی از بابک زنجانی پول گرفته، فیلم ساخته و دیگر پس نداده، اما شما ببینید به جایش برای جامعه خودش باید توجه کنیم. یعنی باید نیمه پر لیوان را هم ببینیم. فیلم فاخر «مزرعه‌ای کوچک زنگ‌زده» از کجا آمده، این فیلم درباره مردم جامعه ساخته شده، چه کسی چنین کاری می‌کند که از یک مفسد اقتصادی پول بگیرد و برای مردم «مزرعه‌ای کوچک زنگ‌زده» بسازد؟ همین که ما چنین سلبریتی‌هایی داریم و برای اعلام سبک‌پنداری می‌مانند، فیلم می‌سازند و فیلم بازی می‌کنند و تازه در فضای مجازی هم صاحب نظر هستند، پس باز هم تا تأکید می‌کنم امیر جعفری را زیاد اذیت نکنید.

آدیده بان

عبادت فرمانده سپاه محمدر سول الله (ص)

از جمال شورجه

فرمانده سپاه حضرت محمدر سول الله(ص) تهران بزرگ‌از جمال شورجه که کارگردان پیشکسوت سینما و تلویزیون عبادت کرد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، سردار پردی فرمانده سپاه حضرت محمدرسول الله(ص) تهران بزرگ با همراهی حجت‌الاسلام نعمتی نماینده ولی فقیه در سپاه حضرت محمدر سول الله(ص) تهران بزرگ با حضور در منزل جمال شورجه از این هنرمند انقلابی عبادت کرد. در این دیدار سردار پردی ضمن آرزوی شفای عاجل برای شورجه گفت: سینما و تلویزیون به حضور هنرمندان متعهدی نظیر شما نیاز دارد و امیدوارم به پاری خداوند متعال به زودی سلامتی حاصل شده و هرچه سریع‌تر ساخت سریال جهانی حضرت موسی (ع) را آغاز کنید. جمال شورجه که در حال حاضر ۶۸سال سن دارد، روز ۱۰دویهشت ماه به علت سکنه مغزی در بیمارستان بستری و پس از مدتی مرخص شد و در حال حاضر روند درمانی این کارگردان در منزل وی ادامه دارد.

«جنایت فراموش شده» روی آنتن شبکه ۳

مجموعه مستنده «جنایت فراموش شده» از شنبه روی آنتن

شبکه ۳ سیما می‌رود.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی پروژه، پناه بر خداضایی که دهها جایزه بین‌المللی برای مستندهای قبلی‌اش به دست آورده، تولید به گزارش این مستند را که درباره حملات شیمیایی رژیم پهلوی به شهرهای غربی کشورمان است، از سال ۹۴ آغاز کرده است. تحقیقات این مجموعه به مستند از ۱۱ سال پیش آغاز شده و فیلمبرداری این اثر نیز از سال ۹۴ به طور جدی شروع شده است. «جنایت فراموش شده» که تازه‌ترین اثر بسیج رسانه ملی با مشارکت شبکه ۳ سیما است، حاوی تصاویر و روایت‌های دیده‌نشده‌ای درباره حملات شیمیایی دوران دفاع مقدس است که رضاایرمنش نیز گویندگی آن را به عهده دار.

مستند «جنایت فراموش شده» در هفت قسمت از شنبه ۸ تیرماه از ساعت ۱۸ روی آنتن شبکه ۳ سیما می‌رود.



| روزنامه جوان | شماره ۵۶۸۵ | پنج‌شنبه ۶ تیر ۱۳۹۸ | ۲۳ شوال ۱۴۴۰ | اذان ظهر: ۱۳:۰۷ | غروب آفتاب: ۲۰:۰۴ | ۱۲۰مغرب:۲۰:۴۵ | ۲یمه‌شعب‌شرعی:۲۰۰۴ | اذان‌صبح‌فردا: ۰۴:۰۱ | طلوع آفتاب‌فردا: ۰۵:۱۰ |

در گفت‌وگوی «جوان» با سعید مستغاثی درباره بی‌رغبتی سینمای ایران به مضامین آخرالزمانی مطرح شد

مدیران سینما بر اسبی سکولار سوار شده‌اند



مصطفی شاه‌کرمی

هالیوود سال‌هاست که با تولید آثار سینمایی متنجی گر ایاته سعی در القای باورهای انترافری دارد. اخیراً سرفرد شدد جورج کلونی برای کارگردانی، تهیه‌کنندگی و بازیگری در یک فیلم آخرالزمانی دیگر با شبکه نت‌فلیکس قرارداد همکاری امضا کرده‌است.از سوی دیگر سینمای کشورمان بر خلاف دسترس‌ی به قصص متنف

و تاریخی کمترین سمبمات و گرایش به سمت مافیمنیتی از این دست را از خود نشان می‌دهد.

دلایل این رخوت ویی عملی را با سعید مستغاثی، کارشناس سینما به گفت‌وگو نشستیم.

کارکردهای سینمای آخرالزمانی یا موعودگراییی که توسط هالیوود یا این سطح از حساسیت و تمرکز دنبال می‌شود، چیست؟

برای پاسخ به این سؤال باید یک نقی به تاریخچه هالیوود و کسانی که این کارخانه رویاسازی را به وجود آورده‌اند، بنزیم. البته من شرح مفصل این مسئله را در یکی از کتاب‌هایم با عنوان «اینک آخرالزمان» آورده‌ام. اما به هر ترتیب بگویم از این افراد (پایه‌گذاران سینمای هالیوود) کسانی هستند که از نسل مهاجران به‌قاره آمریکا بودند. گروه دیگری از آنها جزو اشراف و اشرار یهودی بودند که از اطراف و اکناف شرق اروپا آمده بودند و گروه سوم هم بر خزی از «پیوریت‌ها» گروهی از پروتستان‌های انگلیسی بودند که به‌قاره آمریکا مهاجرت کردند. بر پایه اندیشه‌های آنها، دختران از گناهی که حوا مرتکب شده بود، اِرت می‌پرند)

بودند که اوایل قرن هجدهم به‌قاره آمریکا مهاجرت کردند. اگر ما علت مهاجرت پیوریت‌ها به‌قاره آمریکا را بر اساس مکتوبات و اسنادشان بگوییم به این نتیجه می‌رسیم که آنها بر پایه برخی اعتقادات آخرالزمانی‌شان که بازگشت و تریالی‌دوت جهانی حضرت مسیح(ع) است به آمریکا مهاجرت کردند.

منظور تان این است که برای پای‌یزیی و فراهم کردن امکانات ظهور حضرت مسیح به آنجا رفتند؟

بله. آنها برای تحقق این اتفاق دو شرط عنوان کرده بودند که یکی از آنها کوچاندن قوم پهلوه به سرزمین فلسطین و برپایی اسرائیل بزرگ بود و دومین شرطشان هم برپایی و راه‌انداختن جنگ آخرالزمانی یا همان آرمادگون بوده است. یعنی آنهايي که با

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی سردبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میزای شیرازی، پلاک ۲۸۴ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴ روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸.نمابر: ۸۸۸۴۵۶۳۴۴ توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۶ چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۶۸۵ | پنج‌شنبه ۶ تیر ۱۳۹۸ | ۲۳ شوال ۱۴۴۰ | اذان ظهر: ۱۳:۰۷ | غروب آفتاب: ۲۰:۰۴ | ۱۲۰مغرب:۲۰:۴۵ | ۲یمه‌شعب‌شرعی:۲۰۰۴ | اذان‌صبح‌فردا: ۰۴:۰۱ | طلوع آفتاب‌فردا: ۰۵:۱۰ |

در گفت‌وگوی «جوان» با سعید مستغاثی

درباره بی‌رغبتی سینمای ایران به مضامین آخرالزمانی مطرح شد

مدیران سینما بر اسبی سکولار سوار شده‌اند

مصطفی شاه‌کرمی در حال دست زدن به پهلوه

به کلام دقیق‌تر این اتفاقات از اوایل قاجار و زمان فتحعلی شاه قاجار شروع شد و در زمان ناصری به اوج خودش رسید که سینما هم جزو یکی از آن موضوعات بود. در واقع این هجمه فرهنگی باورود سینما به اوج خودش رسید. اگر مکتوبات علما و روحانیون آن زمان را مطالعه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که چه‌همچنان به فرهنگ، آداب وسنن این مملکت در آن دوران وارد شد و کسانی این کارها را انجام می‌دادند که عمدتاً جزو تشکیلات صهیونیستی مانند اعضای فراماسونری و لژها بودند. همان کسانی که در غرب برای سینمای آخرالزمانی برنامه‌ریزی کردند، همان افراد هم در ایران برای رشد سینمایی‌که بتواند دین و فرهنگ و باورهای مذهبی مردم را فرو بریزد، برنامه‌ریزی کردند.

ادامه‌دهندگان ایمن راه اعضای انجمن‌های صهیونیستی فرماسونری، کلوب‌های روتاری، بهائیان، هندی‌های فراماسونر و کسانی هستند که سینمای ایران را به عنوان فیلمسازی و موج نو تا پیش از انقلاب بسط می‌دهند. بعد از انقلاب هم اگرچه ما به صورت واضح اثری از این جریانات نمی‌بینیم، اما آن تفکر اسلام‌زدانانه و ضدایرانی همچنان در سینما یا تک‌القانای نظیر سینما سینماست، هنر برای هنر است، هنر نمی‌تواند ایدئولوژیک باشد، سفارشی یا حکومتی باشد و حرف‌هایی از این دست که تا به امروز ادامه داشته و اگر کسی می‌خواهد در جهت فرهنگ ایران و ایرانی و اسلام و اسلامی کوچک‌ترین قدمی بردارد، بلافاصله به او برچسب می‌زنند که تو سفارشی‌ساز یا فیلمساز حکومتی هستی! همان تفکری که از ابتدا بوده، همان تفکری که در غرب آن سینمایی شبه‌دینی و ایدئولوژیک آخرالزمانی را به وجود آورد. عقبه همان تفکر در ایران سینمای ضددینی و ضداسلامی به‌وجود آورد که متأسفانه همان جریان در حال پیش بردن جریان اصلی سینمای ماست.

نظر شما این است که پیش از انقلاب جریان غالب و رایج می‌بود و امروزه همان جریان به شکل زیرزمینی و نامرئی در حال مدیریت و راهبری سینمای ایران است؟
اصلاً، آن تفکری است که باقی مانده؛ متأسفانه متولیان فرهنگی ما فکر کردند بالا و پایین بردن یک پرچم یک عکس همه چیز عوض شده است. در حالی که اصل آن تفکری است که از قبل باقی مانده است. دست‌هایی که رفتند و افسار مدیریتی سینما را به دست گرفتند بر همان اسب سکولار و ضدایرانی سوار شدند.

مثالی هم می‌توانید ذکر کنید؟
بنا بر گزارشی که در بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری دولت منتشر کرده‌از اوضاع کنونی با عنوان «سینمای فاجعه‌بار» یاد می‌کنند؛ این سینما تنهاهیچ نشانی از ایران و ایرانی بودن ندارد، بلکه به‌شدت ضدخانواده و ضدایرانی است. این نتایج برآمده از همان تفکرات اولیه‌پایه‌گذار سینماست که منبت از لژهای فراماسونری است که امروز توسط جشنواره‌ها و سفارت‌تخانه‌ها در حال نوامی و راه‌پیکری است و انواع واقسام این هجمه‌های فرهنگی در حال تقویت هستند.

تبسج

برای فهم بهتر علل چنین کمبود و کاستی لازم است که قدری به عقب برگردیم. ما باید ببینیم که چه جریانات یا افرادی در بحث ورود، شکل‌گیری، توسعه و بعدها تولید آثار سینمایی در ایران اثرگذار بوده‌اند. اگر پاسخ به چنین سؤالاتی را پیدا کنیم مسئله تا حد زیادی روشن می‌شود. اولاً سینما در دورانی وارد این مملکت شد که ایران دوران القای تجدد و دارتی و تفکرات برگبرایانه را می‌گذراند.

نشست هم‌اندیشی انجمن‌های تخصصی بسبج بر گزار شد

نشست صمیمی انجمن‌های تخصصی سازمان بسبج هنرمندان استان تهران با حضور امیر نصیریبگی، رئیس سازمان بسبج هنرمندان امروز برگزار شد. به گزارش «جوان»، به نقل از روابط عمومی سازمان بسبج هنرمندان کشور این هم‌اندیشی به منظور احصا آخرین وضعیت هنری ادبی بسبج و بررسی برنامه‌های حمایتی و تولیدی انجمن‌های هنری ادبی و عرصه‌های نقش‌آفرینی هنرمندان بسبجی صورت گرفته است.

در این نشست یک‌روزه که با حضور رئیس سازمان بسبج هنرمندان و معاونان مربوطه صورت گرفت، با هیئت‌نیشه سپهه‌استان و نظارت بر عملکرد کلون‌های شهرستان‌های قرچک، ورامین و دماوند دیدار به عمل آمد و جلسه هم‌اندیشی با فرماندهی ناحیه این شهرستان‌ها به منظور ارزیابی عملکرد کلون‌های شهرستان‌ها بر گزار شد. این دیدار با حضور امیر نصیریبگی، رئیس سازمان بسبج هنرمندان، معاونان این سازمان و هنرمندان شبکه هنری ادبی بسبج در شهرستان‌های دماوند، قرچک و ورامین برگزار شد و برنامه‌های شبکه هنری ادبی بسبج در این نشست تبیین شد. در حاشیه این نشست از خانواده‌های شهدای هنرمند، جانباز و پیشکسوت شهرستان‌های قرچک، ورامین و دماوند دیدار به عمل آمد. در این دیدار که به منظور گرامیداشت یاد و خاطره شهدای هشت سال دفاع مقدس برگزار شد، رئیس و مدیران سازمان بسبج هنرمندان ضمن حضور در منازل خانواده‌های شهید مختار سالمی، شهید محمدجواد نکویی فرد و شهید محمدرضا علیچانی به گفت‌وگو و بیان خاطرات شهدای هنرمند پرداختند و از آثار هنری هنرمندان شهید، جانباز و پیشکسوت شهرستان بازدید کردند.

تبسج

مالی و قطعیت نرسیبده‌ایم و نباید این طور اطلاع‌رسانی می‌شد.

حرفه‌ای‌گری در اطلاع‌رسانی ایجاد می‌کند که وقتی اسپانسر و توافقات مالی یک برنامه‌ای انجام شد، اعلام عمومی کنند. چون من چند پیشنهاد دیگر اجرای تلویزیونی داشتم، اما عذرخواهی کردم و نپذیرفتم. این پروژه هم به علت علاقه‌مندی و آشنایی نسبت به حیطه‌کاری‌اش یعنی اتومبیلرانی پذیرفتم، اما هنوز این کار قطعی نشده و توافقات مالی هم نهایی نشده است.

دربارز در پاسخ به این سؤال که چرا بارها به شما اجرای تلویزیونی پیشنهاد شده و نپذیرفته‌اید، خاطر نشان کرد: به نظر من اجرای تلویزیونی همچون حرکت روی لبه تیغ است. اگر آن برنامه بگیرد، مجری بازیگر موفق می‌شود و حتی در ادامه کار دنیای بازیگری‌اش هم تأثیر می‌گذارد. اگر برنامه موفق نباشد و حتی متوسط هم بخشی شود، باز هم به اعتبار آن بازیگر یا مجری لطمه می‌زند. اصولاً این نگاه در سینما هم وجود دارد و به شدت حساس‌تر از سینماست.

سریال متوسط بازی شود یا متوسط از آب دربیاید چون بیشتر هم دیده می‌شود باز هم تهدیدزا خواهد بود، اما موفقیت در اجرای تلویزیونی و سریال، هر دو در فرست‌ساز هستند. او با اشاره به اینکه نقش متفاوت به تغییر گریم و پوشش نیست، تصریح کرد: تفاوت کاراکتر و شخصیت در فیلم به تغییر نور، گریم، لباس و پوشش بر نمی‌گردد بلکه این تفاوت‌ها را در فیلم نبوده به ارمان می‌آورد. البته برخی از دوستان به واسطه این تغییرات ظاهری بر این باورند که کاراکتر متفاوتی را ارائه دهند. من در این شرایط ترجیح می‌دهم نقش‌ها و کاراکترهای مدنظر مردم را ایفا کنم.



عکس از یکی از فیلم‌های «سرخیوست» در جشنواره فیلم فجر

نگاهی به فیلمی که طرفداران و منتقدان زیادی دارد

مرگ «سرخیوست» در میان گاف‌های فیلمنامه

■ احمد محمد تبریزی

اگر بخواهیم با نگاهی کلی «سرخیوست» را نقد کنیم، حرف هر دو سر طیف از منتقدان، یعنی آنها که آن را فیلمی کامل و موفق می‌دانند و آنهايي که آن را اثری ناقص قلمداد می‌کنند، درست است. یعنی فیلم نه آنقدر خوب است که مخاطبش را سرس ذوق بیآورد، نه آنقدر بد است که توان تماشا را از بیننده‌اش بگیرد.

جادوی باورآورد شدن به ژانر زندان، فضایی را در فیلمش ترسیم می‌کند که کمتر در سینمای ایران دیده شده است. ماجرای رفیع شدن یک زندانی و تلاش‌های یک سرهنگ در آستانه تبعید برای پیدا کردن او جذابیت‌های زیادی برای فیلمسازي دارد و به خوبی مخاطبان را بسا خودشان همراه می‌کند تا آنها ببینند، سرنوشته زندانی و سرهنگ به کجا می‌رسد.

چنین داستانی برای علاقه‌مندان به سینمای بدون پیرنگ قابل قبول است، اما منتقدان سفت و سخت تر که به دنبال شخصیتی که شامل زندانی و پلیس می‌شود باید بر پایه فیلمنامه‌ای قوی با داستانی فوق‌العاده جذاب ساخته شود. ماجرای دنبال کردن یک زندانی و عاشق شدن یک جناب سرهنگ در میانه‌های فیلم، آنقدر جذاب و هیجان‌انگیز نیست؛ چنانکه قبل‌انمونه‌های زیادی از این دست در سینمای جهان ساخته شده‌است.

فیلم‌هایی که در این ژانر ساخته می‌شود به دلیل محدودیت‌های مکتبی که باید در زنان باشد و محدودیت‌های شخصیتی که شامل زندانی و پلیس می‌شود باید بر پایه فیلمنامه‌ای قوی با داستانی فوق‌العاده جذاب ساخته شود. نمونه‌اعلی‌ایمن ژانر را در فیلم «ماندگار» (رئستگاری در شاولوشنگ» دیده‌ایم و «مسیر سبز» و «پاپیون» نیز نمونه‌های موفق دیگری از این جنس سینما هستند.

یکی از مهم‌ترین ایراداتی که به «سرخیوست» می‌شود، ضعف‌های اساسی در شخصیت‌پردازی و روند داستان است. جادویی که در فیلم قبلی‌اش «ملبورن» فیلمش را در یک اپارتمان خلوت و یا دو بازیگر ساخته، این بار نیز همان فرمول را منتها کمی پخته‌تر دنبال می‌کند. هیچ‌کدام از شخصیت‌های اصلی «سرخیوست» به خوبی و درستی پردازش و تعریف نمی‌شوند، حتی با ورود خانم امدادگر و شروع داستانی شبه‌عاشقانه با جناب سرهنگ باز ضعف‌های فیلمنامه در داستان و روابط به وضوح به چشم می‌آید. فیلم رابطه‌هایی الکن و نصفه و نیمه‌از این دست زیاد دارد. همانطور که ما داستان عشق میان سرهنگ و امدادگر را در ک باور نمی‌کنیم، چرا که قبل‌انمونه‌های زیادی برای نجات جان زندانی



نیز در نمی‌آوریم.

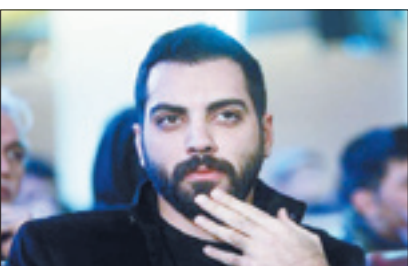
جادویی بدون پرداختن به موقعیت شخصیت‌ها، ناگهان یک دختر امدادگر را وارد فیلم می‌کند که حتی حاضر است برای نجات جان زندانی‌جان خودش را از دست بدهد و می‌خواهد از حربه جذابیت‌های تازه‌به هدفش برسد، در حالی که مخاطب دلیل این تلاش‌ها را در کار نمی‌کند. زندانی زن و بچه دارد و هزار چند تمایلات چند نمای بدون خاصیت از آنها نشان داده می‌شود، پس احتمال ماجرای عاشقانه میان زندانی و امدادگر منفی است و اگر این تلاش‌ها بتا بر دلایل انسان‌دوستانه باشد که اصلاً عقلمانی هم به نظر نمی‌رسد.

اگر بخواهیم از وارد کردن بدون دلیل واکسس و قوربانه‌به فیلم و او باد خوردن نقشه‌ها و چرقه زدن ذهن سرهنگ صرف‌نظن کنیم، تحول بدون پرداخت شخصیت‌ها در لحظه آخر پاشنه‌سای فیلم است و توی ذوق می‌زند. سرهنگی که در آخر می‌فیهد تمایلات عاطفی امدادگر به او یک نقشه بوده، ناگهان در پایان دوباره جوانه‌های عشق در دلش می‌روید و به خاطر همین عشق، زندانی را‌ها می‌کند تا برود، این یعنی باسماه‌ای‌ترین پایان‌بندی برای یک فیلم. سرهنگی که از ابتدای فیلم زندگی‌اش را در گرو پیدا کردن زندانی می‌داند، ناگهان چنان متحول می‌شود که تمام بدبختی‌هایش برای پیدا کردن زندانی‌اش را از یاد می‌برد و امدادگری که تا چند سالکان قبل به سرهنگ فحش و ناسازی می‌گفت، ناگهان در پایان عاشقانه به سمت سرهنگ برمی‌گردد و فیلم تمام می‌شود.

چنین پایان‌بندی ضعیفی را کمتر کسی بساور می‌کند. کارگردان بیشتر از آنکه به دنبال به سرانجام رساندن قصه و شخصیت‌هایش باشد، می‌خواهد همه چیز را از سر خودش باز کند تا فیلم تمام شود. «سرخیوست» با تمام ضعف‌هایش می‌تواند آغاز گری برای اعتماد به نفس بیشتر فیلمسازانی باشد که به دنبال ساخت فیلم در این ژانر هستند، فقط به شرطی که قبل‌انمونه‌های دقیق در دست داشته باشیم.

نظر باز یگر سینما و تلویزیون درباره پویش «صاحبخانه خوب»

هنر باید به سود ارتقای روابط اجتماعی وارد عمل شود



■ نوید پارسا

در روزگار ما رسانه‌ها عموماً آن چیزی را می‌سازند که بتوانند پهلواسطه آن مخاطب بسا‌اجذب کنند تا واحد بازاری‌شان بیشتر بچرخد. یعنی بتوانند جذب آگهی کنند، اصا برای ارتقای فرهنگ هم باید کاری کرد. بهادر زمانی بازیگر سینما و تلویزیون با بیان این مطلب گفت: آنجایی که خود مردم در روز کلی مشکل دارند، برای همین رسانه‌ها بیشتر سراغ چیزهایی می‌روند که عصبی‌کننده نباشند، ولی مشکل آنجاست که به محض پایان سریال با انعام نمایش فیلم، مخاطب می‌ماند و کوهی از مشکلاتی که یکی از اصلی‌ترین آنها اجازه مسکن است،‌ا به هر حال یک جوان حتی اگر از دواج‌کنند تا بد نمی‌تواند کنار والدین زندگی کند. چ‌راین جوان حتی اگر کار هم داشته باشد، نمی‌تواند هزینه اجاره یک آپارتمان کوچک ۲۰ متری را داشته باشد؟ چ‌زاین است که نوعی بی‌نظمی بر بازار املاک ایران حکمفرماست.

بازیگر «تنهایی لیلا» می‌گوید: این اشتگی حاکم بر بازار املاک حل نمی‌شود مگر آنکه به لحاظ فرهنگی جامعه رشد کند. یعنی همه فکر کنند که هموطنانشان مانند عضوی از خانواده‌شان هستند. تلویزیون همان‌طور که بودجه می‌دهد برای تولید مولودرها و کمدی‌های تکراری بخشی از بودجه‌ها را هم صرف تولید سریال‌های فرهنگساز در زمینه معضلات روز کند. این بازیگر خاطر نشان کرد: من نمی‌خواهم به مانند برخی منتقدان از رواج کمینیم در فیلم‌ها و سریال‌ها بگویم، ولی می‌گویم همانقدر که برای آن نوع نگاه بازی‌ار هزینه می‌شود، مقداری هم برای تولید انصاف و مدارای اجتماعی را به صاحبخانه‌ها آموزش داد.